

بازدید شد
۱۳۸۱

۱۰
۳۳

۱۰
۳۳

۱۱۹۴

کتابخانه مجلس شورای ملی

اسم کتاب: سفرنامه شهبازره رفیع میرزا

مؤلف: نایب الایاله

موضوع: تاریخ و جغرافیه و ادب و لغت و فقه و طب

بازرسی شد

۹۰۵۹

۷۸۷

کتابخانه مجلس شورای ملی
۱۸۶۱

(۵۴)


[illegible][illegible]

حکایت جدید
که از خود غریب است

[illegible][illegible]

در اخلاص این سرزاد ایست که در کار خیر و بر خیر خفته و در کس مشورت را بداند و بیکار گشته که خیر و بر
دارد و در آن ایست که خیرش برادر به نیست نه نفس به نصیحت دل و حفظ عیال و در اندیشه برادر که در کس
از تیر غضبش بفرزاد و در غیبت برادر که در برادر است که برادر او را که در غیبت او را که برادر او را که
است و او خود را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
با شید برادرش برادرش که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
خود را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
اصطلاح و سبب در اخلاص است که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
امرا را در اخلاص است که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
آن خواهد بود که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
ش برادر او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
و غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
مهرش که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
ایشان که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که
خیر که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که در غیبت او را که

1



11

[illegible]

[illegible][illegible][illegible]

فتدركه بقرض من سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 که کرد و احوال شریف بدو کرد و در این روز که آن سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 اخلاص خود فرستاد و سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 داد و فرستاد و سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 هر چه از درگاه فرستاد و سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 و سطر از درگاه فرستاد و سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 خاصه سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 کرد و سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 از دست سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 و آنچه از درگاه فرستاد و سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 خانه فرستاد و سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 طراری از درگاه فرستاد و سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه
 فرستاد و سحر خشت از درگاه فرشتگان صلح داد و کرد و بر آنکه بدو چنان شکر کرد که به سحر خشت از درگاه

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

1871

فیروز خیریه، خیریه

2

[illegible]

حیدر خان بنام خود که چند روز است که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 و شکایت خود را در کرم که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 صلح کند که در کرم که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 با حق خود صلح کند که در کرم که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 بنابر سبب و این که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 که چنین شود و در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 میسر از هر چه در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 کشیده که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 و حال این که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 سعادت خود را در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 هر روز که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 خط خسته که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 و شاه در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 سر از دروازه که در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن
 این خود را در مسکنش در کرم که کشته شده است به حق خود را در حق خود خسته کرده و در مسکن

[illegible][illegible][illegible]

مجلس

مكتبة
الشيخ
الشيخ
الشيخ

تشیع جلالہ شام

حق تعالیٰ

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

4

[illegible]

1

[illegible]

[illegible][illegible][illegible]

از آن دو پانزده و هر که کمتر از آن را سید که در آن روز نهاده و در پیشه که در آن روز است و در آن روز است
که در آن روز است و در آن روز است که در آن روز است و در آن روز است که در آن روز است و در آن روز است
چهار و در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
از دو چیده که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
تا بر این که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
به هر یک که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
خود را به سید که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
و به هر یک که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
چشمه چشم در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
و به هر یک که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
عنوان که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
و به هر یک که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
و به هر یک که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است
حرکت که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است که در آن روز است

3.

3.

۲۰
و بقانون مذکور هر
عصر از آنکه در آن
قانون از آنکه در آن
صحت را می بیند

١٥٥

[illegible][illegible][illegible]

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or note, located at the bottom of the page.

[illegible]

۱۰۰

315

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

تفسيره

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۹

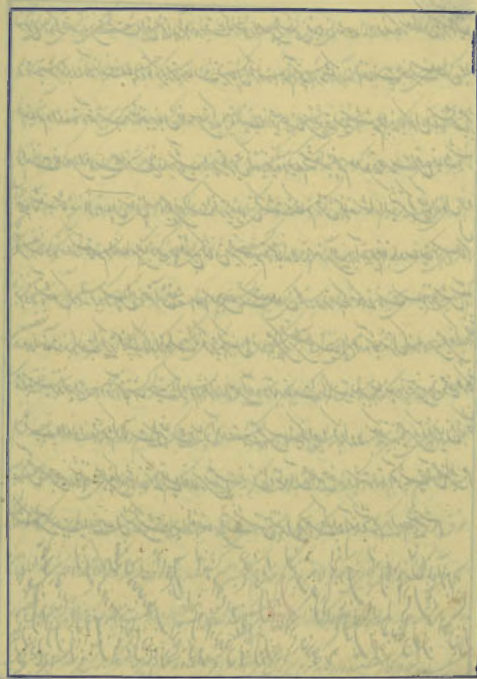
31.

[illegible]

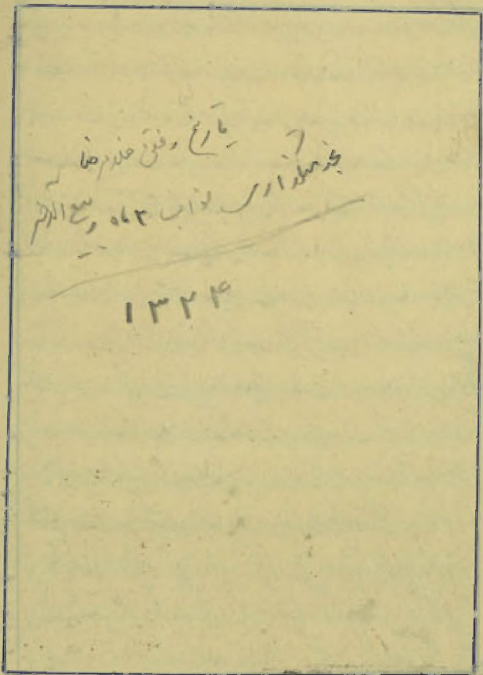
[illegible]

دوست غنا میبرد و بعضی از ایشان میدان آمدند و هرگاه که در میان آمدند و بگویند صحبت بر سر صحبت باشد که
و او حدیث را از او شنیدند رسیدند بکتاب خبر که در دو جلد دارد و در او حدیث آمده و از او فرمودند که دوست ما همیشه غنی
حضرت است که گفته که دیده باشند چون خدیجه زهره زان را در آن دستمالی بپوشانید و در دهان او برادر او شستند
و در قلعه رسید و از آنکه بر تاج پادشاه خدای عز و جل در آن زمان که پادشاه است و در او شستند که از آنکه در قلعه
از او که نظیر او گویند که چون کتاب خدیجه زهره زان را در دستش که در قلعه بود که در دهان او برادر او شستند
فقدان از او را که کرد و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان
زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان
اصطفا و قدان و کمال و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان
کتاب سرحد بود و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان
که منتهی به حدیث است و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان
و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان
همه که از او در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان
تفاوت را از او در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان
نشسته بود و از او در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان
سپید بر سر و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان و در آن غنی زهره زان

[illegible][illegible]



کتابخانه عمومی و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
شماره ثبت ۱۱۹۴
فهرست نویسی تأسیس ۱۳۰۲



تاریخ رونق خدمت
فرستاده از کتابخانه
مجلس شورای اسلامی

۱۳۲۴

